

بخش دوم

پونیهودیان

با فرهنگ ایران زمین



پروفسور امنون نتصر در این  
بخش از گفت و گوها به  
بیان پیشینه تاریخی یهودیان  
ایران و سهم فرهنگی آنان  
در این سرزمین می پردازد

## در سروده های "شاهین" باورهای یهودی و اسلامی درهم آمیخته است



"شاهین" شاعر یهودی ایرانی، حکایات دینی بسیاری را به صورت شعر در آورد

پرسش - شما در سخنان پیشین خود، شاعر یهودی "شاهین" را "نخستین و بزرگترین" شاعر یهودی ایران معرفی کردید که این ارزیابی شما ما را کنجکاو می کند که درباره او مطالب بیشتری بدانیم و نمونه هائی از اشعار او را نیز بخوانیم.

پاسخ - بله، تا آن جا که آگاهی داریم، شاهین را می توان نخستین شاعر یهودی ایرانی دانست که اشعار او به دست ما رسیده است و همچنین تأیید می کنم که او بزرگترین شاعر یهودی ایران بوده است. ولی در عین حال باید بگویم که یگانه شاعر نبوده و ما در گنجینه بایگانی قاهره که تعریف کردیم چگونه اوراق کهنه و غیرقابل استفاده کتب مذهبی یهود را در بالاخانه ای توی صندوق ها نگاهداری می کردند، (چون جنبه تقدس داشته و دور ریختن آن حرام بوده)

ورق پاره هائی نیز یافته ایم که شامل ابیاتی از شاعران یهودی ایرانی است که به زبان فارسی، ولی به خط عبری نگاشته شده است.

یادآوری می کنیم که شاهین در دوران حکومت ابوسعید ایلخانی می زیست که در گفت و گوی پیشین به دو اثر بزرگ او اشاره هائی شد که یکی از آن ها "موسی نامه" است که در آن چهار صحیفه (خروج، لاویان، اعداد، تثئیه) از پنج صحیفه تورات یهودیان به شعر در آمده است و کتاب دوم به نام "اردشیر نامه" که کوچکتر از کتاب نخست است و حدود شش هزار بیت را در بر می گیرد و در آن داستان "استر" ملکه یهودی ایران نقل شده که جریان آن در "تومار استر" در مجموعه کتاب مقدس یهودیان (عهد عتیق) جای گرفته است.

پیشتر همچنین گفتم که "اردشیر نامه" گرچه ظاهرا بیان کننده سرگذشت استر به شعر است، ولی آمیزه ای از داستان های یهودی و ایرانی است که بخش یهودی آن برگرفته از داستان هائی است که در "میدراش" یهودیان آمده، ولی هنوز مآخذ و منابع پاره ای از داستان های ایرانی که در این مجموعه آمده شناسائی نشده است و باید پژوهش درباره آن ها ادامه یابد.

این بار می خواهم درباره آخرین اثر شاهین سخن بگویم که از دیدگاه من می بایست نخستین سروده او باشد، و به این علت که متن آن بیان صحیفه اول تورات (کتاب پیدایش) به صورت شعر است - و این در صورتی که او نگارش شعرگونه صحیفه های تورات را از صحیفه دوم (خروج) آغاز کرد.

البته شاهین در پایان یکی از آثار خود اشاره می کند که در محیط زندگی او احتمالا افرادی وجود داشته اند که باور نمی کرده اند که او از عهده چنین کار دشواری که همانا برگرداندن متن تورات به شعر فارسی است برآید. ولی او این رسالت را به انجام رساند. اشاره ای که شاهین به این موضوع کرده آن است که می نویسد "اگر دیگران خود را قادر به انجام این مهم می دانند، پس بیایند و صحیفه نخست تورات را به شعر برگردانند" (نقل به مضمون).

پرسش - پیش از آن که به سخنان خود ادامه دهید، کنجکاو هستیم که نمونه هائی از اشعار شاهین را بشنویم.

پاسخ - ولی اجازه دهید که سخن من درباره سومین بخش از سروده های شاهین به پایان برسد، که گفتم همان صحیفه نخست کتاب تورات است. ابیات نخستین سروده های شاهین در مورد صحیفه آفرینش (پیدایش)، می توانیم بگوئیم که به علوم طبیعی اختصاص دارد. او از آفرینش زمین و آسمان و ماکیان و ماهیان و طیور و وحوش سخن می گوید و در پایان این بخش به آفرینش انسان اشاره می کند و همچنین از پیدایش درخت و سبزه می گوید. شاهین از عهده این مهم به خوبی برآمده و در برگردان رویدادها به زبان شعر، به آن چه که در تورات نگاشته شده بسنده نکرده است.

نکته جالب دوم آن که شاهین احتمالا یک فرد باورمند و مؤمن بوده و به دین یهود اعتقادات عمیق داشته، ولی در اشعار خود همچنین اشاره می کند به شماری از نوشته ها و روایات و احادیث اسلامی، از عرش و علم و کرسی و واژه هائی نظیر آن ها صحبت می کند که بیشتر

در احادیث اسلامی آمده و در قرآن نیز وجود دارد و تا آن جایی که معلوم است، در منابع و مراجع یهودی ذکری از آن ها نیست.

سومین اثر شاهین منظومه ای از دو موضوع مهم است که بخش نخستین آن داستان آفرینش را بیان می کند و بخش دوم که شاید دو سوم سروده را شامل می گردد، به داستان یوسف و زلیخا ارتباط دارد. باید گفت در میان سروده های شعرای مختلف ایران که به داستان عشق یوسف و زلیخا پرداخته اند، سروده های شاهین بدون تردید و با قاطعیت از نظر انسجام کلام دست کمی از شاعران دیگر ندارد.

به این واقعیت نیز باید اشاره کرد که شاهین شاید صد و بیست تا صد و سی سال پیش از جامی شاعر بزرگ ایرانی می زیست که داستان یوسف و زلیخا را با استادی و زیبایی تمام به نظم کشید. سروده یوسف و زلیخا یکی از گنجینه های ادبی بسیار زیبای جامعه یهودی ایران محسوب می شود و یهودیان ایرانی همیشه به این منظومه علاقه فراوانی داشته اند.

در این منظومه نیز گرچه در مقایسه با یوسف و زلیخاهائی که در ایران توسط شعرای غیریهودی به نظم کشیده شده بیشترین استناد را به آیات تورات می کند، و نسبتاً با متن تورات همخوانی دارد، ولی در آن نیز رگه هائی از احادیث و قصص موجود درباره یوسف و زلیخا در ادبیات ایرانی، و حتی در قرآن مجید و از جمله مطالبی که در کتب "قصص الانبیاء" نوشته شده، مانند قصص الانبیای ثعلبی و نیشابوری و کسائی، قابل تشخیص است.

اکنون می خواهم نمونه هائی از اشعار شاهین را برای شما بخوانم که آن ها در کتابی به چاپ رسیده که من در سال ۱۹۷۳ میلادی (۱۳۵۲ فارسی) در تهران با نام "منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران" انتشار دادم.

**پرسش -** بله، نگارنده این کتاب شخص شما هستید و این نخستین بار بود که چنین کار پژوهشی در عالم ادب ایران انجام می گرفت.

**پاسخ -** با کمال تواضع، بله باید گفت که این نخستین بار بود که چنین کتابی انتشار یافت و نقلی هم درباره آن نگاشته شده که به قلم استاد ضیاءالدین سجادی است و در "راهنمای کتاب" به تاریخ تیر- مرداد- شهریور ۱۳۵۲ در هفت صفحه منتشر شد و جا دارد که جمله نخست این نقل با تأمل بیشتری خوانده شود، زیرا استاد سجادی تأکید می کند که "ما هیچیک در ایران نمی دانستیم که در میان یهودیان شعرائی به این خوبی وجود دارند، و یا این که اصولاً یهودیان هم دارای شاعرانی بوده اند".

به درخواست شما و به عنوان نمونه شماری از سروده های شاهین را برایتان می خوانم. در اردشیرنامه ابیات زیادی را درباره طبیعت می یابیم. در این ابیات، اردشیر فرزند خود را که کورش نام دارد و از همسر زیبای یهودی او به نام استر زاده شده با خود به شکار می برد و شاهین در این جا به وصف طبیعت می پردازد و می خواهد چیزی بگوید که به نظر من بسیار شیواست:

خوشر ز بهار در جهان نیست	بی باده ناب، چون توان زیست؟
می باید و جویبار و دلبند	می باید و غمگسار و پیوند
جام می ناب بر کشیدن	سر بر سر سبزه آرمیدن
دیدن رخ ارغوان و سنبل	چیدن به چمن لاله و گل
پیرامون بید و سرو و شمشاد	گشتن به چمن، ز محنت آزاد
هر دم به کنار سبزیاری	با نوش لبی و غمگساری
خرم، دل آن که سیم دارد	وز برده زر، ندیم دارد
دلشاد شود به روی لاله	ریزد می ناب در پیاله
با باده و یار کار باشد	با رود و نبیذ یار باشد

شاهین در این سروده از باده و نبیذ و چمن و سبزواری، پر از سنبل و گل و لاله و شمشاد دم می زند. این تصور ایجاد می شود که شاهین علاوه بر شاعری، باغبان خوبی نیز بوده، چون توجه می کنید که از انواع گیاهان و گل ها نیز نام می برد.

اجازه بدهید قطعه دیگر از سروده های او را برایتان بخوانم که متوجه شود با چه زیبایی چهره طبیعت را در برابر چشمان ما مجسم می کند و می گوید:

چون فصل بهار چهره بنمود	از روی چمن نقاب بگشود
سوسن بکشید تیغ تازی	با بید شد او به نیزه بازی
نرگس بگشاد دیده مست	شد سرو سهی به نزد او پست
گل جامه درید بی بهانه	در پای چنار عاشقانه
خیری بشکافت خرم از باد	بر باغ فروه و حسن شمشاد
نسرین به فراز گلبن خار	رخشنده چو برسپهر دوآر
شد زلف بنفشه تاب داده	چون نیشترهای آب داده
برقع بگشاد لاله از روی	پیرامون بستان به هرسوی
گردید چوبوی مشک بستان	چون مجمر عود در شبستان
بر دار، شکوفه گشت خندان	بنموده ز باد صبح، دندان
نیلوفر از آب سر کشیده	در بر، همه جامه ها دریده
سر پیش فکنده نسترن شاد	غم داده به بوی دوست، برباد

توجه کنید که در این سروده، او در مصرع اول گل های طبیعت را در برابر مصرع دوم شامل درختان و کلهکشان و آن چه که در آن وجود دارد، صف آرائی داده است. مثلا سوسن، با تیغ تیزی که در دست دارد، با درخت بید به نبرد و نیزه بازی پرداخته است. این سروده ها همه از قرن چهاردهم میلادی است که قرون وسطی نامیده می شود.

شاهین در بخش دیگری از سروده خود نرگس را در برابر سرو سهی قرار می دهد. گل سرخ مستانه زیر پای درخت چنار پیراهن می درد. نسرین به رقابت با خورشید برخاسته و سپهر دوار را روشنایی می بخشد.

آن چه در بالا آمده درباره گل ها و درختان و طبیعت بود. ولی چیزی که از دیدگاه من واقعا جالب است ، یکی دیگر از سروده های شاهین است که در آن از حدود پنجاه حیوان و درنده و چرنده و خزنده تا ماهیان دریا و ماکیان سخن می گوید. این سروده رنگ آمیزی بسیار جالبی را از محیط طبیعت در برابر خواننده شعر تصویر می کند. او از بلبل خوش آواز تا مور و مگس درون خانه سخن می گوید.

مایلم این چند بیت دیگر را نیز برای علاقمندان بخوانم :

بلبل به چمن کشیده آواز      با دلبر خویش گشته هم راز

توجه کنید که سروده خود را با بلبل شروع می کند و به دیگر جانداران می پردازد و می گوید:

طوطی و دُراج و کبک و دستان	خندان شده در میان بستان
قمری و سقا و هدهد و سار	با هم ، همه در نوا و گفتار
سنقر و پلنگ و باز و تیهو	شادان به کنار سبزه ، آهو
گنجشک و قطاف بر سر شاخ	در سینه گشاده راز، گستاخ
شاهین و عقاب و کرکس و باز	با هم همه در نشاط و پرواز
سی رود و پرستو و کبوتر	پرواز کنان به گرد عَرَعَر
آهو و گوزن و گور در دشت	پیرامون آب و سبزه در گشت
دام و دد و شیر و ببر و گفتار	هرکس پی صید خویش درکار
خرگوش و شغال و میش و روباه	آسوده و شاد در چراگاه
زراف و پلنگ و گرگ و گراز	هر یک شده با نشاط هم راز
یوز و شق و سُمور و سَنجاب	با سوسن و گل بنفشه در تاب
ماهی و نهنگ و راسو و مار	از بوی بهار رفته از کار
مور و مگس از درون خانه	سر بر زده بر امید دانه

به راستی توجه کنید که سرودن چنین شعری و آوردن نام این همه جانداران در یک شعر کوتاه به زبردستی و دانش نیاز دارد که بتواند زیبایی های طبیعت را این چنین دلنشین تصویر کند.